

مدیریت ورزشی _ زمستان ۱۳۹۳
دوره ۶، شماره ۴، ص: ۶۴۳ - ۶۵۵
تاریخ دریافت: ۹۱ / ۱۱ / ۰۸
تاریخ پذیرش: ۹۲ / ۰۳ / ۱۹

چالش‌های پیش روی توسعه ورزش همگانی در ایران و راهبردهای آن

محسن عراقی^{۱*}، میرمحمد کاشف^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی و برنامه ریزی دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران؛ ۲. دانشیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی چالش‌های فراروی توسعه ورزش همگانی و تحلیل راهبردهای مناسب به‌منظور گسترش فعالیت‌های ورزشی در بین آحاد مختلف جامعه است. جامعه آماری افراد شرکت‌کننده در ایستگاه‌های ورزش همگانی کشور در سال ۱۳۹۱ (۲۱ درصد جمعیت کل کشور) بودند که ۲۰۰۰ نفر از آنان با استفاده از جدول مورگان و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی در پانزده استان کشور برای نمونه، پرسشنامه‌های تحقیق را تکمیل کردند. پرسشنامه از نوع محقق‌ساخته بود که پایایی آن به‌وسیله آلفای کرونباخ (۰/۸۱) محاسبه شد. نتایج داده‌های تحقیق نشان داد که بین اهداف و انگیزه‌های نمونه‌ها با میزان تحصیلات آنان رابطه معناداری وجود داشت و آنان بر تأثیر ورزش بر سلامت جسم و روان تأکید بیشتری داشتند. بین آثار فعالیت‌های ورزشی و اهداف و انگیزه‌های آزمودنی‌ها نیز براساس سن ارتباط معناداری مشاهده شد. کمبود امکانات، عدم آگاهی ورزشی، نبود مربیان متخصص و مشکلات اقتصادی به‌ترتیب، عمده‌ترین مسائل توسعه ورزش همگانی از سوی افراد مورد بررسی معرفی شدند. ایجاد امکانات و میادین ورزشی مناسب که به‌راحتی در اختیار شهروندان علاقه‌مند به فعالیت‌های ورزش همگانی قرار گیرد و همچنین برنامه‌های تبلیغاتی به‌منظور ارتقای آگاهی‌های عمومی مردم در زمینه ورزش و تربیت و تعیین مربیان و کارشناسان ورزش برای راهنمایی مردم در ایستگاه‌های ورزش همگانی، از اهم راهبردهایی است که باید مدنظر برنامه‌ریزان ورزش همگانی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

ایستگاه‌های ورزشی، تندرستی، توسعه، چالش‌ها، راهبردها، ورزش همگانی.

مقدمه

کاهش تحرک و فعالیت‌های بدنی در زندگی امروزی که با توسعه و پیشرفت فناوری و صنعت و غلبه ماشینی شدن بر زندگی و گسترش امکانات رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی به‌وقوع می‌پیوندد، ضرورت برنامه‌ریزی در راستای تأمین حرکت مورد نیاز جسمانی و عمومیت بخشیدن به انجام فعالیت‌های منظم و مستمر ورزشی را در بین مردم بیش از پیش نمایان می‌سازد و آموزش، ترغیب و گسیل آحاد مختلف جامعه به ورزش امری لازم و حیاتی به‌نظر می‌رسد؛ کاری که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از سال‌ها پیش جزء اولویت‌های برنامه‌ریزی قرار گرفته و با به‌کار بستن راهکارهای مشخص به‌نحوی ورزش را در آن جوامع به‌صورت همگانی درآورده و در قالب یک فرهنگ در راستای سالم زیستن و برخورداری از بهداشت و سلامت روانی و جسمانی درآمده است (۱). آرزوی داشتن تن و روان سالم، آرزوی دیرینه انسان است و تا کنون برای رسیدن به آن تلاش زیادی صورت گرفته است. داشتن زندگی فعال و حفظ تندرستی با یکدیگر در آمیخته است. پرداختن به فعالیت‌های ورزشی تفریحی به میزان زیادی سلامت فرد و جامعه را تأمین می‌کند. بدین منظور افراد به برنامه‌های آمادگی جسمانی، پیشگیری، توانبخشی و برنامه‌های درمانی ورزشی روی می‌آورند. ورزش‌های همگانی با توجه به پوشش دادن تمامی برنامه‌های مذکور می‌تواند نیاز افراد جامعه را برای رسیدن به سلامتی و تندرستی همه‌جانبه تأمین کند.

امروز اغلب کشورهای پیشرفته جهان در برنامه‌ریزی و ساماندهی ورزش‌های همگانی کشور خود با دیگر کشورها رقابت می‌کنند و به‌طور مستمر در حال ارائه برنامه‌های خلاق برای رشد این ورزش هستند. در اروپا حدود ۴۰۰ میلیون زن و مرد به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند که ۲۵ درصد آنان را زنان و ۷۵ درصد را مردان تشکیل می‌دهند (۱۷). تحقیقات مراکز بهداشتی و ورزشی اروپا ثابت کرده‌اند که هدف اصلی ورزش در اروپا، ورزش‌های همگانی است و در راستای رشد و گسترش آن تلاش زیادی به‌عمل آمده است (۹).

با توجه به اهمیت مسئله، سازمان بهداشت جهانی برای ارتقای سلامت مردم جهان^۱ از سال ۱۹۸۶ یک برنامه جدی تنظیم کرده و اولین کنفرانس بین‌المللی را در شهر اتاواای کانادا برگزار کرد (۱۷). در این کنفرانس ارتقای سلامت به‌عنوان فرایند توانمندسازی مردم به‌منظور افزایش و کنترل سلامت خویش تعریف شد و از آن تاریخ به بعد چندین کنفرانس جهانی دیگر در سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۱،

1. Health promotion

۱۹۹۷، ۲۰۰۰، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به ترتیب در کشورهای استرالیا، سوئد، اندونزی، مکزیک، تایلند و آمریکا (۱۳، ۱۵)، برگزار شده و در همه آنها بر گسترش ورزش بین مردم به عنوان عامل اصلی و کلیدی در حفظ و تأمین سلامت تأکید شده است (۱). ورزش همگانی از سال ۱۹۰۰ میلادی تاکنون، در کشورهای مختلف با انگیزه‌های متفاوتی از جمله تأمین سلامت جسمی و روانی، غنی‌سازی اوقات فراغت، گسترش روابط اجتماعی، دور شدن از زندگی ماشینی، بازگشت به طبیعت، افزایش کارایی، زمینه‌سازی برای رشد ورزش قهرمانی و توصیه پزشکان مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ما ورزش همگانی از سال ۱۳۵۸ با عنوان ورزش محلات آغاز شد و در سال ۱۳۶۲ به صورت تشکلی قانونی تحت عنوان جهاد تربیت بدنی رسمیت یافت (۲)، اما تفکر ورزش همگانی و همگانی کردن ورزش به صورت رسمی در اروپا و حتی در جهان برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ مطرح شد. در این سال، شورای اروپا نشست برگزار کرد و در سیاست‌های ورزشی خود در راستای توسعه ورزش در سطح جامعه، برای نخستین بار از مفهوم ورزش همگانی به منظور گسترش ورزش در جامعه استفاده کرد (۱۶). امروزه ورزش و به ویژه ورزش همگانی از آنجا که موجب افزایش امید به زندگی از طریق ارتقای سلامت افراد جامعه می‌شود، یکی از زیرشاخص‌های توسعه انسانی در جوامع قلمداد می‌شود (۸). همچنین به واسطه افزایش سلامت و نشاط در جامعه سبب کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی می‌شود و بهره‌وری نیروی کار جامعه را افزایش می‌دهد و از این راه به توسعه همه‌جانبه آن جامعه کمک می‌کند. گذشته از این ورزش همگانی در جامعه کارکردهای مطلوبی چون افزایش همدلی، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی، تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی و کمک به فرایند جامعه‌پذیری افراد نیز دارد (۹).

ورزش همگانی در جهان با اهداف افزایش مشارکت تمام گروه‌های اجتماعی و فراهم کردن تکثرگرایی در ورزش، تقویت ورزش قهرمانی، توسعه و ارتقای سلامتی و گسترش تفریحات سالم و ورزش تفریحی پایه‌گذاری شده است (۷). در کشور ما نیز فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی از سال ۱۳۷۷ فعالیت رسمی خود را با امکاناتی هرچند محدود و همانند دیگر ممالک جهان با هدف توسعه و تعمیم ورزش در میان مردم آغاز کرد. در حال حاضر نیز توسعه آن در مقابل ورزش‌های قهرمانی، به لحاظ وسعت و دامنه شمول، قابل اجرا بودن در شرایط و اماکن گوناگون، کم‌هزینه و در دسترس بودن و سهولت اجرا برای افراد سنین مختلف، به شدت مورد توجه مدیران و دست‌اندرکاران ورزش کشور قرار گرفته است (۶). هم‌اکنون ۲۱ درصد مردم کشور به طور ثابت در ورزش همگانی حضور پیدا می‌کنند (۱۵).

به دلیل اهمیت مقوله تربیت بدنی در زندگی روزمره مردم، اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را موظف کرده است تا به منظور نیل به اهداف متعالی انسانی، تمامی امکانات خود را برای تربیت بدنی رایگان برای همه و در تمام سطوح به کار برد. در این اصل، اهمیت توجه به مسئله تربیت بدنی در کنار مسئله آموزش و پرورش مدنظر قرار گرفته و این امر خود حاکی از اهمیت موضوع تربیت بدنی در قانون اساسی است. آمار ناهنجاری‌های جسمانی موجود میان کودکان و نوجوانان، به ویژه دختران از جمله اسکولیوز، پشت صاف و کیفوز، کف پای صاف، پای ضربدری و پرانتری توسط معاونت تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش گزارش شده است. براساس آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه سکته‌های قلبی میان جوانان ایرانی و آمار بیماری که تحت عمل قلب باز یا بالن آنژیوگرافی قرار گرفته‌اند و آمار پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران در زمینه نرخ بالای ابتلای زنان ایرانی به پوکی استخوان نسبت به نرخ جهانی آن، و مواردی از این دست، لزوم توجه به موضوع تربیت بدنی میان اقشار مختلف جامعه و نقش وزارت ورزش و جوانان در این زمینه مشخص می‌شود. این ضرورت در برنامه‌های توسعه نیز مدنظر قرار گرفته است، به طوری که در برنامه سوم توسعه، سازمان تربیت بدنی موظف شد تا طرح جامع ورزش کشور را تهیه کند. در طرح یادشده، ورزش به چهار گروه عمده همگانی، قهرمانی، حرفه‌ای و پرورشی تقسیم شده است. براساس این تقسیم‌بندی، «ورزش همگانی» به مفهوم «تربیت بدنی» و برای عامه مردم، به خصوص شهرنشینان که از زندگی صنعتی برخوردارند، یکی از ضرورت‌های زندگی قلمداد شده است. براساس آمار سازمان تربیت بدنی در کشور ما در سال ۱۳۸۷، تنها ۵ درصد مردم به طور مستمر و سازمان‌یافته دارای برنامه آمادگی جسمانی هستند، در حالی که در برخی از کشورهای توسعه‌یافته این آمار شامل ۹۰ درصد جمعیت می‌شود (۸، ۱۱). بر این اساس، آنچه باید مسئله اصلی دولت باشد و مورد توجه مسئولان کشور قرار گیرد، توجه به گسترش تربیت بدنی با مفهوم ورزش همگانی است و مسئله ورزش قهرمانی و حرفه‌ای باید به صورت روش‌های مندرج در بند «ز» ماده ۱۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه و با مشارکت یا واگذاری کامل آن به بخش خصوصی، به صورت حاشیه‌ای و در درجه دوم مورد توجه قرار گیرد، در حالی که فعالیت‌هایی که در کشور به آنها توجه می‌شود، حاکی از این است که ورزش به مفهوم همگانی در درجه دوم مورد توجه است و مسئله ورزش قهرمانی با توجه به رقابت در عرصه‌های بین‌المللی و بعد سیاسی آن بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (۱۱).

نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه ورزش همگانی و تفریحات ورزشی در کشورمان نشان می‌دهد که توسعه و تعمیم ورزش با وجود برنامه‌ریزی‌ها، هزینه‌ها و تلاش‌های مختلفی که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است، به نحو مناسبی گسترش نیافته است و کاستی‌ها و ضعف‌های عدیده‌ای دارد (۲، ۸). این وضعیت در شرایطی بر ورزش عمومی و همگانی جامعه ما حاکم است که تمامی دست‌اندرکاران و مسئولان بر مبنای تحقیقات به‌عمل‌آمده و به استناد شواهد علمی بر ضرورت تعمیم و همه‌گیر شدن ورزش و فعالیت‌های مستمر و منظم بدنی تأکید دارند و آن را امری مهم و لازم در راستای ارتقای سلامت در جامعه می‌دانند (۱، ۵).

اما آنچه در این پژوهش، محقق به‌دنبال آن است، بررسی وضعیت موجود ورزش همگانی در کشور و بررسی مسائل و مشکلات توسعه آن از دیدگاه افرادی است که در ایستگاه‌ها و پایگاه‌های ورزش همگانی حضور می‌یابند و بدان می‌پردازند، تا بدین طریق ضمن تهیه و ارائه گزارشی از ورزش همگانی، ضعف‌ها و قوت‌های آن بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و راهکارهایی اجرایی برای به‌کارگیری در برنامه‌ریزی‌های آتی ارائه شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است که به‌صورت میدانی به مرحله اجرا در آمده است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌کنندگان در ورزش‌های همگانی در سال ۱۳۹۱ هستند که با استفاده از اطلاعات جدول مورگان ۲۰۰۰ نمونه از مراکز پانزده استان کشور را شامل می‌شود که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. شایان ذکر است که پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به‌دلیل نواقص موجود داده‌های ۱۶۴۷ پرسشنامه بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

ابزار پژوهش عبارت از پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که ابتدا با نظرخواهی از چند تن از متخصصان گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی رشته تربیت بدنی تهیه و تکمیل شد و سپس طی یک مطالعه مقدماتی^۱ در یکی از مراکز استان خارج از جامعه آماری، پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و معادل ۰/۸۱ به‌دست آمد. در این پژوهش به‌منظور بررسی و توصیف ویژگی‌های آزمودنی‌ها از متغیرهای آمار توصیفی (درصد فراوانی، میانه و میانگین) و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی (تحلیل واریانس)، تحت نرم‌افزار SPSS، استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

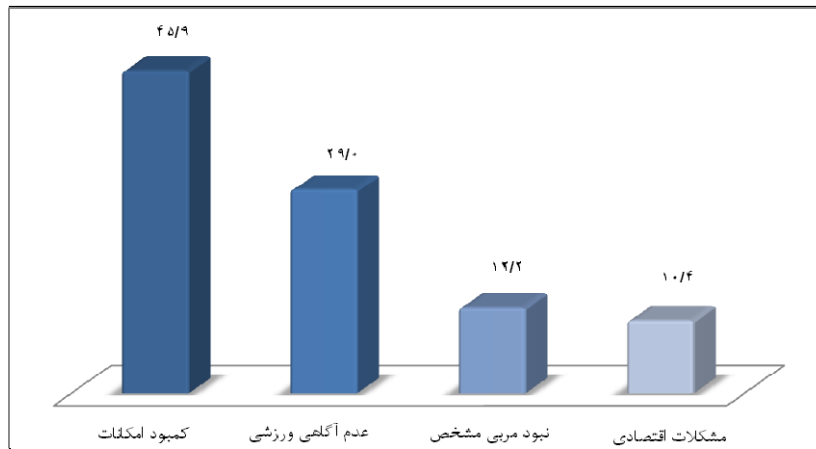
در این پژوهش سعی شد با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده، ضمن بازگو کردن برخی از ویژگی‌های آزمودنی‌ها، مشکلات و موانع موجود بر سر راه توسعه و تعمیم ورزش‌های همگانی در کشور و عمومیت بخشیدن به فعالیت‌های بدنی در بین احاد مختلف مردم بررسی و تجزیه و تحلیل شود. جدول ۱ ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها

ویژگی‌ها	شغل		تحصیلات		سن	تأهل	جنسیت									
	کارمند	آزاد	دانشجو	دانش‌آموز	سبک و پابین تر	دیپلم	کاردانی	کارشناسی و بالاتر	زیر ۲۰ سال	۲۱ تا ۳۰ سال	۳۱ تا ۴۰ سال	۴۰ سال به بالا	متاهل	مجرد	مدرک	مؤنث
فراوانی	۴۲۷	۴۱۹	۵۸۸	۱۴۶	۲۷۰	۷۳۳	۳۳۹	۴۰۵	۲۵۰	۷۸۲	۳۲۳	۲۹۲	۸۶۵	۷۸۲	۸۸۴	۷۶۳
درصد	۲۵/۹	۲۵/۴	۳۵/۷	۴/۱	۱۶/۴	۴۴/۵	۱۴/۵	۲۴/۶	۱۵/۲	۴۷/۵	۱۹/۳	۱۷/۷	۵۲/۵	۴۷/۵	۵۳/۷	۴۶/۳

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشتر آزمودنی‌ها (۳۵/۷ درصد) دانشجو بودند. ۷۳۳ نفر از آزمودنی‌ها دارای مدرک تحصیلی دیپلم، و از میان آنان بیشتر آزمودنی‌ها ۲۱ تا ۳۰ ساله بودند. ۵۲/۵ درصد آزمودنی‌ها متأهل و ۴۷/۵ درصد نیز مجرد بودند، و ۵۳/۷ درصد آنها مرد و بقیه زن بودند. موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه ورزش همگانی و تعمیم فعالیت‌های بدنی در بین عموم مردم از دیدگاه جامعه تحت بررسی نیز در شکل ۱ ترسیم شده است.

ملاحظه می‌شود که کمبود امکاناتی مانند پارک‌ها، سالن‌ها، محوطه‌ها و ایستگاه‌های ورزش همگانی با میانگین ۴۵/۹ درصد علت اصلی عدم تعمیم ورزش همگانی در جامعه از سوی آزمودنی‌ها معرفی شده است. بعد از آن عواملی مانند فقدان آگاهی مردم از ورزش و ضرورت و اهمیت آن، نبود مربیان آگاه و متخصص و مشکلات مالی و اقتصادی به‌ترتیب با میانگین ۲۹، ۱۲/۲، ۱۰/۴ درصد علل و مشکلات بعدی فراروی توسعه و گسترش فعالیت‌ها و تفریحات ورزشی در بین احاد و اقشار مختلف مردم از دیدگاه آزمودنی‌ها هستند.



شکل ۱. موانع و مشکلات عدم توسعه و گسترش ورزش همگانی و تفریحی از دیدگاه آزمودنی‌ها

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، در تحلیل واریانس اهداف و انگیزه‌های آزمودنی‌ها و رابطه آن با تحصیلات آنان مشخص شد که ارتباط معنادار است و با افزایش میزان تحصیلات آزمودنی‌ها، اهداف و انگیزه‌های آنان نیز نسبت به شرکت در فعالیت‌های ورزشی ارتقا می‌یابد ($P \leq 0/05$). شاید بتوان با استناد به این یافته پژوهش، ضرورت افزایش آگاهی‌های عمومی از اهمیت ورزش را که یکی از موانع عدم توسعه ورزش همگانی از سوی جامعه تحت بررسی مطرح شده است، بیشتر مدنظر قرار داد و بر استفاده از تبلیغات و به‌کارگیری رسانه‌های ارتباطی در این راستا به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی تأکید کرد.

جدول ۲. تحلیل واریانس اهداف و انگیزه‌های آزمودنی‌ها براساس تحصیلات

سطح معناداری	مقدار آزمون F	انحراف معیار	آماره	
			میانگین	تحصیل-هدف-انگیزه
۰/۰۰۰	۲۴۱۵/۶۰۸	۰/۳۸۶۱۵	۲/۸۱۸۵	سیکل
			۴/۹۶۶۳	دیپلم
			۶/۰۳۸۳	کاردانی
			۷/۲۷۴۱	کارشناسی و بالاتر
			۵/۱۸۲۱	مجموع

تحلیل واریانس داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که با افزایش سن آزمودنی‌های شرکت‌کننده در فعالیت‌های ورزشی، انگیزه و هدف آنان نیز به انجام فعالیت‌های ورزشی منظم و مرتب بیشتر شده و با انگیزه بهتر و قوی‌تری در ورزش‌های همگانی و تفریحی شرکت می‌کنند ($P \leq 0/05$). احتمال دارد دلیل این مسئله فعالیت‌های ورزشی باشد که جوانان و نوجوانان در قالب ورزش مدارس، دانشگاه‌ها و ورزش‌های قهرمانی انجام می‌دهند.

جدول ۳. تحلیل واریانس اهداف و انگیزه‌های آزمودنی‌ها براساس سن

سطح معناداری	مقدار آزمون F	انحراف معیار	آماره	
			میانگین	سن-هدف-انگیزه
۰/۰۰۰	۱۸۴۱/۳۶۲	۰/۳۹۴۵۵	۳/۸۰۸۲	زیر ۲۰ سال
		۰/۱۸۶۲۸۹	۴/۹۷۷۷	۲۱ تا ۳۰ سال
		۰/۴۸۷۵۸	۶/۳۸۵۹	۳۱ تا ۴۰ سال
		۰/۵۰۰۳۸	۷/۴۶۵۴	۴۱ سال به بالا
		۱/۵۱۹۹۷	۵/۱۸۲۱	مجموع

براساس داده‌های جدول ۴ با افزایش سطح تحصیلات آزمودنی‌ها، اعتقاد آنان به تأثیر مثبت فعالیت‌های ورزشی بر سلامت جسم و روان آنان بیشتر می‌شد و معتقد بودند که شرکت منظم در فعالیت‌های ورزش همگانی سبب ارتقای سطح سلامت آنان می‌شود. این نتیجه نیز تأیید دیگری بر ضرورت انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و همچنین تربیت و گماردن مربیان متخصص در محل‌هایی است که مردم به‌منظور انجام ورزش‌های همگانی و تفریحی به آنجا مراجعه می‌کنند.

جدول ۴. تحلیل واریانس تأثیر فعالیت‌های ورزشی براساس تحصیلات

سطح معناداری	مقدار آزمون F	انحراف معیار	آماره	
			میانگین	تحصیل-فعالیت ورزشی
۰/۰۰۰	۲۴۱۵/۶۰۸	۰/۱۸۹۵۰۲	۳/۴۸۲۶	سیکل
		۰/۱۱۱۷۲	۵/۰۱۲۶	دیپلم
		۰/۴۹۹۷۵	۶/۵۳۶۲	کاردانی
		۰	۸	کارشناسی و بالاتر
		۱/۵۵۵۰۶	۵/۵۹۴۷	مجموع

همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، تحلیل واریانس تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر اساس سن آزمودنی‌ها حاکی از آن است که آزمودنی‌های دارای سن بیشتر، تأکید بیشتری بر تأثیر مثبت فعالیت‌های ورزشی دارند ($P \leq 0/05$).

جدول ۵. تحلیل واریانس تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر اساس سن

سن-فعالیت ورزشی	آماره	میانگین	انحراف معیار	مقدار F آزمون	سطح معناداری
زیر ۲۰ سال	۳/۳۹۵۹	۰/۸۴۱۰۵			
۲۱ تا ۳۰ سال	۵/۰۵۷۷	۰/۲۲۳۴۱			
۳۱ تا ۴۰ سال	۷/۱۱۹	۰/۷۶۳۲۷		۱۸۴۱/۳۶۲	۰/۰۰۰
۴۱ سال به بالا	۸	۰			
مجموع	۵/۵۹۴۷	۱/۵۵۵۰۶			

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق رابطه معناداری را بین برخی از ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها مانند سن و تحصیلات و پرداختن به ورزش همگانی و تفریحات ورزشی نشان داد، بدین معنا که با افزایش سن در افراد، استقبال آنان نیز از فعالیت‌های ورزشی بیشتر می‌شد. این در حالی است که عوامل انگیزشی آنان در سنین مختلف متفاوت بوده و در سنین پایین تناسب اندام، شرکت در مسابقات و اوقات فراغت و تفریح و در سنین بالاتر کسب سلامت و تندرستی و پیشگیری از بروز و ظهور رخدادهای افزایش سن و سالمندی و درمان بیماری‌ها عمده‌ترین اهداف شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌داد. تحصیلات نیز یکی دیگر از عواملی بود که با بالا رفتن سطح آن، میزان روی آوردن افراد به فعالیت‌های ورزشی افزایش می‌یافت و اعتقاد آنان بر آثار مفید فعالیت‌های ورزشی در سلامت جسم و روان بیشتر می‌شد. این نتایج با یافته‌های تحقیقات تندنویس (۱۳۷۴)، ایتانگ^۱ (۲۰۰۶)، آفرینش (۱۳۸۴)، توکیدسن^۲ (۱۹۹۶)، لبا^۳ (۲۰۰۳) و کیدن^۴ (۲۰۰۱) همخوانی داشت (۱، ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸). با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد که آگاهی دادن به اقشار جوان و میانسال جامعه در راستای اهمیت و ضرورت انجام فعالیت‌های ورزشی بیش از پیش باید در برنامه‌های توسعه ورزش همگانی قرار گیرد.

1. Etang J
2. Tokildsen and George
3. Laba
4. Kiden

در این تحقیق مهم‌ترین مشکلات و موانع توسعه ورزش همگانی و تفریحی به ترتیب کمبود امکانات (۴۵/۹ درصد)، عدم آگاهی از ورزش (۲۹ درصد)، مشکلات فرهنگی و اجتماعی (۱۲/۲ درصد) و مشکلات اقتصادی (۱۰/۴) از سوی جامعه تحت بررسی معرفی شدند که با نتایج تحقیقات غفوری (۱۳۸۲)، آفرینش (۱۳۸۴)، ساندرز^۱ (۲۰۰۱) و ژانگ^۲ (۲۰۰۹) همخوانی داشت (۱، ۴، ۱۶، ۱۹).

تحقیقات مذکور همگی بر این موضوع تأکید داشتند که امکانات ورزشی و در دسترس بودن آنها برای تمامی شهروندان و بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی در افزایش آگاهی‌های عموم از عمده عوامل سوق‌دهنده مردم به فعالیت‌های ورزش همگانی و تفریحی است و سبب توسعه آن در کشورها می‌شود. همچنین بین وضع اقتصادی و توسعه ورزش همگانی ارتباط معناداری مشاهده شد که این موضوع در نتایج این تحقیق و پژوهش‌های تندنویس، غفوری، مرادی و لایا تأیید شد (۳، ۴، ۱۰، ۱۴).

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ورزش همگانی و تفریحی بهره‌گیری از مربیان آگاه و متخصص و کاردان در پایگاه‌های ورزشی است که در این تحقیق و نتایج تحقیقات قره (۱۳۸۴)، آفرینش (۱۳۸۴) و غفوری (۱۳۸۲) بدان تأکید شده است (۱، ۴، ۶). آمار نشان می‌دهد که ورزشکاران تحت پوشش هر کارشناس و مربی ایرانی ۷۴۸ نفرند که حدود ۹۳ برابر سوئد، ۶۸ برابر آمریکا و ۸۳ برابر کاناداست، چراکه براساس آمار، در ایران ۲۵ درصد مربیان در ورزش همگانی فعال هستند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۲ در استرالیا ۸۰/۳ درصد و در سوئد ۷۵ درصد مربیان در ورزش همگانی فعال بودند (۱، ۱۷). این آمار در خصوص تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی و تفریحی و مربیان مربوطه بیشتر است. هیأت‌های ورزش همگانی استان تهران در مجموع با ۷۶۱ مربی دارای بیشترین مربی در بین استان‌های کشور است، این در حالی است که براساس آمار منتشره از سوی طرح جامع کشور (۱۳۸۰) تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی تهران حدود یک میلیون و هفتصد و بیست و یک هزار نفر است و با مقایسه اعداد مذکور کمبود مربی در ورزش همگانی بیش از دیگر بخش‌ها خودنمایی می‌کند (۵). نتایج تحقیقات قره نشان داد که ۹۹ درصد هیأت‌های ورزش همگانی آقایان و بانوان کشور تا سال ۱۳۸۴ هیچ‌گونه فعالیت پژوهشی نداشته‌اند. همچنین ۸۸ درصد آنها هیچ‌گونه فعالیتی در راستای تبلیغات، سخنرانی و تهیه و نشر پوستر به مرحله اجرا نگذاشته بودند (۶). در تحقیقی اثر ورزش‌های همگانی بر ورزش قهرمانی بررسی شد. آنها در مدل معروف اوقات فراغت خود ورزش‌های همگانی را پایه

1. Sanders
2. Zhang B

توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای دانسته‌اند. در پژوهش دیگری آزمودنی‌ها بر نقش ورزش همگانی و توسعه آن در پیشرفت ورزش قهرمانی تأکید کرده و آن را پشتوانه ورزش حرفه‌ای و قهرمانی قلمداد کردند. در تحقیق دیگری که در همین زمینه در کشور روسیه انجام گرفت، مدل هرمی به این منظور ارائه شد که براساس آن، هرچه پایه وسیع‌تر باشد، رأس هرم غنی‌تر خواهد بود (۹).

با توجه به نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه دیگر به نظر می‌رسد که در برنامه‌ریزی‌های آتی و کلان ورزش و تربیت بدنی کشور باید به راهبردهای مورد اشاره جامعه تحت بررسی که در سال‌های اخیر در تحقیقات متعددی مانند رساله دکتری آفرینش و قره نیز مورد تأکید قرار گرفته است، بیشتر توجه شود (۱، ۶). اگرچه ممکن است بعضی از موانع مطرح‌شده از سوی جامعه تحت بررسی مانند مشکلات اقتصادی به برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت از سوی مسئولان اقتصادی کشور نیاز داشته باشد، به نظر می‌رسد بقیه موارد در کوتاه‌مدت قابل پیش‌بینی و اقدام از سوی دست‌اندرکاران ورزش کشورند که عبارت‌اند از:

- توسعه امکانات مناسب ورزش‌های همگانی و تفریحی مانند احداث فضاهای مناسب در پارک‌ها، اختصاص استادیوم‌های ورزشی به ورزش‌های همگانی و تفریحی در ساعاتی از روز، ایجاد جاده‌های تندرستی و نصب دستگاه‌های ورزشی در آنها، بهره‌گیری از سالن‌های ورزشی ادارات و سازمان‌ها در راستای توسعه ورزش همگانی؛
- تبلیغات وسیع از طریق مجلات، روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و شهرداری‌ها در راستای ارتقا و افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه ضرورت و اهمیت فعالیت‌های ورزشی در سلامت جسم و روان؛
- تربیت و تعیین مربیان و کارشناسان متخصص و توانمند در ایستگاه‌های ورزش همگانی به منظور ارائه روش‌های نوین و صحیح ورزشی به مردم.

منابع و مآخذ

۱. آفرینش خاکی، اکبر. تندنویس، فریدون. مظفری، سید امیراحمد. (۱۳۸۴). "مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی". نشریه علوم حرکتی و ورزش، جلد اول، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۴، ص: ۲۲.
۲. اتقیا، ناهید. (۱۳۸۷). "نیازسنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی". نشریه علوم حرکتی و ورزش، شماره ۱۱، ص: ۹۷.

۳. تندنویس، فریدون. (۱۳۸۰). "جایگاه ورزش در اوقات فراغت مردم ایران". نشریه پژوهش در علوم رفتاری، شماره ۴، صص: ۱۵-۳۳.
۴. غفوری، فرزاد. شعبانی، عباس. هنری، حبیب. (۱۳۹۰). "بررسی چالش‌های ورزش همگانی در ایران". نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۰، صص: ۱۳.
۵. قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۹). "نگاه راهبردی به نظام ورزش در کشور". انتشارات نگارستان حامد، تهران، مؤسسه اندیشه و عمل پویا. صص: ۲۳.
۶. قره، محمدعلی. مظفری، امیراحمد. (۱۳۸۴). "وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان". نشریه علوم حرکتی و ورزش، جلد اول، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۴، صص: ۶۱-۷۱.
۷. کاشف، میرمحمد. (۱۳۷۹). "بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و توصیه‌هایی برای توسعه آن". طرح ملی زیر نظر دانشگاه ارومیه. صص: ۱۴-۲۳.
۸. کشکر، سارا. سلیمانی، مجتبی. (۱۳۹۱). "نقش برنامه خصوصی‌سازی بر توسعه ورزش‌های همگانی از دیدگاه کارشناسان". نشریه پژوهش‌های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱، صص: ۱۰۴.
۹. مجد آرا، علی. (۱۳۹۰). "ورزش برای همه". انتشارات آوای ظهور. صص: ۳۲-۳۶.
۱۰. مرادی، مهدی. هنری، حبیب. احمدی، عبدالحمید. (۱۳۹۰). "بررسی نقش چهارگانه رسانه‌های ورزشی در توسعه فرهنگ ورزش همگانی". نشریه مدیریت ورزشی، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۰، صص: ۵۵.
۱۱. نیک نیاز، علیرضا. (۱۳۸۱). "سلامت محور توسعه پایدار". نشریه پیام سلامت، شماره ۹، زمستان ۸۱ و بهار ۸۲، صص: ۶.
12. Etang, J. (2006). "Public relations and sport in promotional culture". Public Relations Review, Vol. 32, pp: 386-394.
13. Kiden, F. (2001). "Sport in developing countries". Journal of Sport Policy and Planning, Vol. 6, No. 15, pp: 243-244.
14. Lobo, L. (2003). "To what extent do sport participant patterns effect health related expenses". Research on Leisure and Recreation for Everyone (RLRFEO) Med, Vol. 47, No. 3, pp: 301-287.
15. Paul, D., Tess, K. (2004). "An analysis of adult participation based on the 2002 General Household Survey (GHS)". Sport and the Family Review, Vol. 38, No. 7, pp: 32-33.

-
16. Saunders, E. (2001). "Strategic sport for all plan 2002-2007". Quarterly Sport Council Pub, Northern Ireland, Vol. 2, No. 32, pp: 17-19.
 17. Thomaselli, N., Stotlar, D. K. (2004). "Canada fitness and life style". Available on: <http://www.sportcanada.com/DHHS>.
 18. Tokildsen, G. (1996). "Leisure and recreation management". Journal of Leisure Research, Vol. 21, No. 9, pp: 54-56.
 19. Zhang, B., Zhang, L. (2009). "Government regulations of the privatization of the public sports facilities". Sport Science Research, Vol. 11, pp: 12-13.